

## مصاحبه

## مریم سالاری

روزنامه‌نگار

نمی‌شود نام محمد جواد ظریف به میان بیاید و سهم و نقشش او در چهاردهمین دور انتخابات ریاست جمهوری از نظر دور بماند؛ سیاستمداری که خوشنامی‌اش، فصاحتش در سخنرانی و نیتیسی که در گفته‌هایش وجود داشت، از مردمی که در آساج ناامیدی از وضع موجود قرار داشتند، موجی ساخت که روی آن ایده «وفاق» سوار بود؛ فرآنتی از سیاست‌ورزی که گرچه در آن خواست مردم همچنان ارزش اصلی نبود اما وقتی به ارزش واقعی دست می‌یافت که مخالفان هم امکانی برای گفتن و شنیدن داشته باشند. این راهی بود برای بازجذب مردمی که امید و کنشایش را در آن مسلک جست‌وجو می‌کردند. هر چند راه ساده‌ای نیست و نخواهد بود، اما این سیاستمدار کهنه‌کار در این گفت‌وگو کوشید از یک‌سو به نگرانی جامعه از ترویج ناامیدی به راهبرد امیدبخش «وفاق» پاسخ دهد و از سوی دیگر سعی بر همراه کردن کسانی داشته باشد که به تصویر پریهایوی مخالفان چشم دوخته‌اند. ظریف می‌گوید رابطه موافق و مخالف در یک زیست‌جهان مشترک رابطه مهر و کین نیست و تأکید او بر اهمیت و نقش «وفاق» یک راه ناکزیر برای رسیدن به جایی است که در آن همه با هم می‌برند. با هم این‌گفت‌وگو را می‌خوانیم.

با وجود اینکه ایده «وفاق» به عنوان نقطه کانونی رویکرد دولت چهاردهم در مسیر اجرای سیاست‌های آن قرار دارد اما به نظر می‌رسد همچنان نسبت به میناو زمینه‌های شکل‌گیری آن، هم در سطوح نخبگانی و هم اجرایی تفاوت دیدگاه وجود دارد. به همین دلیل مسأله وفاق توسط برخی از چند جهت تقلیل داده شده است؛ اول اینکه از سطح ایده سیاسی به سطح تصمیمت و موعظه عمومی تقلیل پیدا کرده است. دوم اینکه بیشتر گروه‌های سیاسی هدف وفاق بوده‌اند، نه اقشار جامعه. به عبارتی برای بسط وفاق در سطح عمومی برنامه عملیاتی و مؤثری ارائه نشده است. شاید برخی اقدامات در این زمینه مثل به تأخیر انداختن قانون حجاب یا تلاش برای رفع فیلترینگ مطرح‌شود اما سؤال این است که چقدر این اقدامات برای ایجاد وفاق در سطح عمومی و افزایش سرمایه اجتماعی در کشور مؤثر بوده است؟

آنچه از دیدگاه رئیس جمهوری در رابطه با وفاق مطرح شده، این است که گرایش‌های سیاسی افراد بر منافع ملی ترجیح داده نشود، تصمیم‌گیری‌ها بر مبنای منافع ملی انجام شود و ظرفیت‌های شایسته در خدمت این منافع و فارغ از سوگیری‌های سیاسی باشد که مبتنی بر یک فرایند متمرکز بر منافع ملی خواهد بود. این دیدگاهی است که آقای دکتر پزشکیان دارند و براساس همین دیدگاه اقدام می‌کنند. این یک روش عمل است و چنانچه به عنوان یک راهکار مورد استفاده قرار گیرد، تغییرات زیادی در شرایط کشور به وجود می‌آورد.

آنچه شما به آن اشاره می‌کنید این است که ما هنوز نتوانستیم برای مفهوم وفاق یک تعریف واحد پیدا کنیم که همه در آن مشترک باشند. یک عده نقد کردند که این وفاق درواقع وفاق بین حاکمیت است؛ برخی هم گفتند وفاق یعنی تقسیم رانت بین گروه‌های مختلف داخل در قدرت. این مفهومی است که در حال حاضر در جامعه خیلی مطرح می‌شود اما من با آن موافق نیستم؛ گرچه ممکن

توانمندی‌ها در چهارچوب منافع ملی به کار گرفته شود. اگر بخواهیم وفاق را بین خودمان، حاکمیت و مردم ایجاد کنیم باید تمرین شنیدن کنیم. یعنی مردم مسأله را بهتر از ما می‌دانند، راهکارهای غلط و دلایل اشتباه بودن آن و آسیب‌هایی را که متوجه‌شان شد، می‌دانند. لذا مهم‌ترین کار برای شروع وفاق، گفت‌وگو است. ما باید آماده شنیدن باشیم و در برنامه‌ای که قرار شده است در روز پنجشنبه برگزار شود، زمینه را برای چنین گفت‌وگوهایی فراهم می‌کنیم و امیدوار هستیم این یک شروع باشد. در میزگردها از نگرش‌های مختلف منتقد، اصولگرا و مجموعه اصلاح‌طلبی و کسانی که خارج از این نگرش‌ها در جامعه حضور دارند، دعوت شده است. ما آماده هستیم که بشنویم، در هیچ یک از پنل‌ها اعضای دولت سخنران نیستند. ولی از اعضای دولت دعوت شده که بیایند و شنونده باشند. درواقع در تلاش هستیم که در همه بخش‌ها یکی از اعضای دولت به عنوان شنونده حضور داشته باشند.



ممکن است در بهترین شرایط نباشیم و روش ما باعث شود هر روز و هر شب در تب و تاب باشیم اما انتخابات دیگری نداریم. انتخاب دیگر بازی در کل منافع آنها در آن است. وقتی از آنها صحبت می‌کنم منظورم فقط آنها نیست؛ بلکه اسرائیل و تندرهای آمریکا و تمام کسانی هستند که از جنگ سود می‌برند. شما نباید بگویید چون آنها در آن زمین بازی می‌کنند، من بروم و در آن شکست بخورم. ما به قول مولانا «تو مگو همه به جنگ‌اند و ز صلح من چه آید» تو یکی نه‌ای هزاری تو چراغ خود بر افروز. در قرآن هم آمده است که اگر توانستید کاری را جمعی انجام دهید، اگر نشد دوفنری و اگر باز هم نشد تک نفره این کار را انجام دهید. اگر تشخیص دادید این کار درست است باید آن را انجام دهید.

طعنه می‌گویند که اگر می‌خواهید در دولت آقای دکتر پزشکیان سمتی داشته باشید باید در انتخابات مخالف ایشان بوده باشید. بنابراین رئیس جمهوری اعلام آمادگی کردند که از همه نیروهای کشور استفاده کنند. اما دیگران و بخش‌های دیگر حاکمیت این میزان از آمادگی را نشان نداده‌اند. آیا این باعث می‌شود که شما این راهکار را رها کنید به این دلیل که بخش‌های دیگر حاضر نیستند به آن عمل کنند؟

دو نکته خیلی مهم است و آن اینکه این کشور متعلق به ماست اگر احساس کنیم این امر برای کشور ضروری است نباید آن را رها کنیم. اگر برخی خلاف جهت منافع کشور حرکت می‌کنند، ما که نباید منافع ملی را رها کنیم.

دومین نکته ایجاد فرهنگ است. شما با عمل خودتان یک فرهنگ ایجاد می‌کنید. درست است که اگر ضرورت ایجاد این فرهنگ تغییر باشد، با آن مخالفت می‌شود، اما به قول مولانا «تو مگو همه به جنگ‌اند و ز صلح من چه آید» تو یکی نه‌ای هزاری تو چراغ خود بر افروز. در قرآن هم آمده است که اگر توانستید کاری را جمعی انجام دهید، اگر نشد دوفنری و اگر باز هم نشد تک نفره این کار را انجام دهید. اگر تشخیص دادید این کار درست است باید آن را انجام دهید.

کار درست در شرایط کنونی ما موافق است. اگر دیگران انجام نمی‌دهند آیا ما باید روش غلط آنها را ادامه دهیم؟ حتماً این‌گونه نیست.

دوستان ما، حامیان آقای دکتر پزشکیان و

افرادی که همراه بنده برای انتخابات عرق ریختند و احساس می‌کنند که در حاشیه قرار گرفتند باید این واقعیت را همراه با من بپذیرند که ما برای یک هدف بالاتری در انتخابات شرکت کردیم و آن هدف در شعار ما «برای ایران» متبلور بود، اگر برای ایران این کار را کردیم بنابراین باید همان روش درست را ادامه دهیم.

بله اما به نظرمی‌رسد در تعریف سازوکار اجرایی این روش درست، دولت آقای پزشکیان خالی از ذهن است. تا اینجا هم در مورد اتفاقات و موضوعات مهمی که محل اختلاف در جامعه است، از جمله موضوع حجاب و فیلترینگ، یک حداقلی از وفاق شکل نگرفته است. وقتی مخالفان و جریان‌هایی که در حال حاضر اختلافات مینایی با دولت دارند، می‌گویند اول آقای ظریف نباشد تا ما بعد از آن وفاق کنیم در چنین فضایی، ایده وفاق، ولو اگر درست هم باشد، چگونه امکان اجرا دارد؟ یعنی در جامعه‌ای که زمینه گفت‌وگو میان بدنه‌های مختلف وجود ندارد، جریان‌های سیاسی صدایی متفاوت تراز مردم دارند و در عمل هم از امکاناتی برخوردارند که می‌توانند جلوی کار دولت برای تحقق خواست مردم را بگیرند.

روش درست است، اجرا کرد؟

مهم‌ترین عامل توفیق این افراد و جریان‌ها این است که شما را هم مجبور می‌کنند که

## گفت‌وگوی انتقادی «ایران» با

## محمد جواد ظریف معاون راهبردی

## رئیس جمهوری درباره ایده کانونی پاستور

## بازی وفاق ناپذیرها

## را برهم می‌زنیم

در همان زمین بازی کنید. تا زمانی که شما در زمین آنها بازی نکردید آنها به توفیق اصلی خود دست پیدا نمی‌کنند. آنها زمانی به توفیق اصلی خود دست پیدا می‌کنند که شما زمین بازی آنها را انتخاب کنید. وقتی شما زمین بازی آنها را انتخاب کردید، یقیناً آنها برنده‌اند. چون زمین بازی شما نیست. ممکن است در بهترین شرایط نباشیم و روش ما باعث شود هر روز و هر شب در تب و تاب باشیم اما انتخاب دیگری نداریم. انتخاب دیگر بازی در زمینی است که کل منافع آنها در آن است. وقتی از آنها صحبت می‌کنم منظورم فقط آنهاست؛ بلکه اسرائیل و تندرهای آمریکا و تمام کسانی هستند که از جنگ سود می‌برند. شما نباید بگویید چون آنها در آن زمین بازی می‌کنند، من بروم و در آن شکست بخورم. ما به قول مولانا «تو مگو همه به جنگ‌اند و ز صلح من چه آید» تو یکی نه‌ای هزاری تو چراغ خود بر افروز. در قرآن هم آمده است که اگر توانستید کاری را جمعی انجام دهید، اگر نشد دوفنری و اگر باز هم نشد تک نفره این کار را انجام دهید. اگر تشخیص دادید این کار درست است باید آن را انجام دهید.

صحبث شما از منظر حکمت و اخلاق سیاسی کاملاً قابل درک و صحیح است. اما در ساخت عملی سیاست، تنها امیدواری ما

این است که وفاق به نقطه‌ای قابل تسری به همه سطوح و جریان‌های سیاسی برسد. تا اینجا کلید وفاق در مقطع تأیید وزرا و حتی تصمیماتی که در شورای عالی امنیت ملی درباره قانون غفاف و حجاب گرفته شد، یا قانون مشاغل حساس، یک سری قفل‌هایی را باز کرده و دوپینگی برای وفاق بوده است که ما نمی‌دانیم تا چه زمانی تاریخ مصرف دارد و دولت تا چه زمانی می‌تواند با این کلید قفل‌ها باز کند. سؤال این است که آیا قرار است حل این موضوعات که درباره آنها اختلافات جدی در خود حاکمیت وجود دارد، در همین ساخت باقی بماند و تنها با همین کلید حل شود یا ابزارهای دیگری از منظر ایجاد موازنه قدرت برای شکل‌گیری وفاق ساختاری مد نظر است؟

من اصلاً اخلاقی نگاه نمی‌کنم بلکه واقع‌گرایانه به این موضوع نگاه می‌کنم. پاسخ من به شما از منظر تنوری بازی‌ها بود، نه اینکه اخلاقی باشد. اخلاق یک ضرورت است اما شما نمی‌توانید بر اساس اخلاق، پیش‌بینی سیاسی کنید. چرا که کنشگران سیاسی الزاماً اخلاقی عمل نمی‌کنند. اخلاق یک ضرورت است اما ضرورتی است که نمی‌شود بر اساس آن حساب و کتاب کرد. بی‌اخلاقی در عالم سیاست یک قاعده است و شما باید برای کنش بر اساس این قاعده آمادگی داشته باشید. آنچه من معتقدم تنها یک ضرورت اخلاقی نیست؛ یک